

آموزش کامل تحلیل بنیادی

ارزش ذاتی شرکت‌ها بهترین راهنما

تحلیل بنیادی یا اصطلاحاً تحلیل فاندامنتال (Fundamental analysis)، یکی از روش‌های تحلیل بورس است. سرمایه‌گذاران به کمک تحلیل بنیادی می‌توانند وضعیت یک شرکت را بررسی کرده و ارزش واقعی سهام آن را محاسبه کنند. استفاده از این دانش در کنار سایر دانش‌های تحلیلی می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر برای خرید و فروش سهام در بورس منجر شود. در صورتی که پاسخ سوال «تحلیل بنیادی چیست؟» را نگرفته‌اید، این مطلب را تا انتها مطالعه کنید.

قائیر دانش تحلیل بنیادی بر عملکرد معاملاتی

با یادگیری تحلیل بنیادی در کنار سایر روش‌ها، می‌توانید تصمیمات بهتری اخذ کرده و شانس موفقیت خود را افزایش دهید. در ادامه با تحلیل بنیادی یا فاندامنتال بیشتر آشنا خواهید شد. بی‌شک سرمایه‌گذاری در شرکتی که بر آن اشراف کامل اطلاعاتی دارید، احتمال موفقیت بیشتری در مقایسه با حالتی دارد که شرکت نشناسید. تحلیل بنیادی یا همان فاندامنتال روشی است که با استفاده از آن می‌توان به این اشراف اطلاعاتی دست یافت. در واقع در تحلیل بنیادی یک شرکت عوامل متعددی همچون «وضعیت مالی و سودآوری شرکت»، «محصولات تولیدی»، «رقبا»، «چشم‌انداز رشد بازار شرکت در آینده»، «قدرت نام تجاری شرکت»، «تیم مدیریتی»، «تامین‌کنندگان شرکت» و ... بررسی شده و سپس نسبت به سرمایه‌گذاری در سهام آن شرکت تصمیم‌گیری می‌شود.

رویکردهای تحلیل بنیادی چیست؟

دو رویکرد مختلف برای تحلیل بنیادی وجود دارد: رویکرد بالا به پایین و دیگری رویکرد پایین به بالا.

رویکرد بالا به پایین

رویکرد بالا به پایین در واقع رسیدن از کل به جزء است. در این رویکرد ابتدا اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نوبت به تحلیل صنایع می‌رسد. در این مرحله، صنعت مناسب برای سرمایه‌گذاری مشخص شود. در انتها نیز از بین شرکت‌های موجود در صنعت برگزیده، شرکت‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و بهترین شرکت از نظر بازدهی و سرمایه‌گذاری تحلیل و انتخاب می‌شود.

رویکرد پایین به بالا

رویکرد پایین به بالا دقیقاً عکس رویکرد بالا به پایین است. به این ترتیب که ابتدا شرکت بررسی می‌شود، سپس صنعت و اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفاهیمی که برای تحلیل بنیادی (فاندامنتال) باید بدانیم

صورت های مالی در تحلیل بنیادی چیست؟

صورت های مالی گزارش‌هایی هستند که جزئیات اطلاعات مالی واحد تجاری را نمایش می‌دهند. از جمله مهم‌ترین اطلاعات موجود در صورت‌های مالی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دارایی‌ها
- بدهی‌ها
- درآمد
- هزینه‌ها
- جریان وجوه نقد

شرکت‌ها صورت‌های مالی مختلفی را منتشر می‌کنند که در میان آن‌ها سه صورت مالی زیر از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

صورت سود و زیان

صورت سود و زیان یکی از انواع صورت های مالی شرکت‌ها است که سه اطلاعات مالی اصلی واحد تجاری را برای مدت زمان مشخص گزارش می‌کند. این اطلاعات شامل درآمدها، هزینه‌ها و سود یا زیان شرکت می‌شود. در تصویر زیر یک نمونه از صورت سود و زیان نمایش داده شده است.

شرح	دوره منتهی به ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ حسابرسی نشده
عملیات در حال مداوم:	
درآمدهای عملیاتی	۲۷۹,۰۹۲,۴۷۲
بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی	(۸۸,۲۷۹,۳۳۵)
سود (زیان) ناخالص	۱۹۰,۸۱۳,۱۳۷
هزینه‌های فروش، اداری و عمومی	(۱۸,۱۰۱,۹۹۸)
هزینه کاهش ارزش دریافتی‌ها (هزینه استثنایی)	*
سایر درآمدها	۱۶,۷۶۹,۹۴۷
سایر هزینه‌ها	(۱۱,۱۸۶,۳۷۴)
سود (زیان) عملیاتی	۱۷۸,۲۹۴,۸۱۲
هزینه‌های مالی	(۴۱۴,۴۲۵)
سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی - درآمد سرمایه‌گذاری‌ها	۶,۳۵۷,۵۳۱
سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی - اقلام منفرجه	*
سود (زیان) عملیات در حال مداوم قبل از مالیات	۱۸۴,۳۳۷,۹۱۸
هزینه مالیات بر درآمد:	
نساج جاری	(۱۰,۵۳۹,۵۰۰)
سال‌های قبل	*

تحلیل بنیادی (فاندامنتال) – تصویر صورت سود و زیان

ترازنامه

ترازنامه در واقع دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام در پایان دوره زمانی را با جزئیات کامل نشان می‌دهد. **ترازنامه** گاهی اوقات صورت وضعیت مالی نیز نامیده می‌شود زیرا ارزش خالص واحد تجاری را نشان می‌دهد. با حذف بدهی‌ها از کل **دارایی‌ها** می‌توانید ارزش خالص نهاد مالی را پیدا کنید.

شرح	دوره منتهی به ۱۳۹۹/۰۲/۳۱ حسابرسی نشده
دارایی‌ها	
دارایی‌های غیرجاری	
دارایی‌های ثابت مشهود	۱۳۰,۶۷۸,۱۶۷
سرمایه‌گذاری در املاک	۰
دارایی‌های نامشهود	۸۴۶,۰۹۹
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۳۱,۸۱۳,۱۵۳
دریافتی‌های بلندمدت	۴,۸۴۴,۳۵۸
سایر دارایی‌ها	۲,۹۵۷,۰۱۱
جمع دارایی‌های غیرجاری	۱۶۱,۱۳۸,۶۸۸
دارایی‌های جاری	
سفراسنات و پیش‌پرداخت‌ها	۱۵,۶۳۷,۰۳۴
موجودی مواد و کالا	۵۶,۵۳۳,۹۰۳
دریافتی‌های تجاری و سایر دریافتی‌ها	۷۳,۵۵۳,۳۳۱
سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت	۹,۴۳۳,۵۳۰
موجودی نقد	۵۱,۳۹۳,۶۳۱

تحلیل بنیادی (فاندامنتال) – تصویر ترازنامه

صورت جریان وجوه نقد

صورت جریان وجوه نقد یکی از صورت‌های مالی است که حرکت پول نقد واحد تجاری را نشان می‌دهد. این گزارش به تحلیل‌گران کمک می‌کند تا درک کنند که حرکت پول نقد در واحد اقتصادی چگونه است. در **صورت جریان وجوه نقد** سه بخش مهم وجود دارد. جریان نقدی حاصل از عملیات، جریان نقدی حاصل از سرمایه‌گذاری و جریان نقدی حاصل از تامین مالی

شرح	دوره منتهی به ۱۳۹۹/۰۲/۲۱ حسابررسی شده
جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی:	
نقد حاصل از عملیات	۳۷,۶۰۰,۹۳۰
پرداخت‌های نقدی بابت مالیات بر درآمد	(۸,۹۱۸,۳۳۶)
جریان خالص ورود (خروج) نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی	۳۸,۶۸۲,۵۹۴
جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری:	
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش دارایی‌های ثابت مشهود	۰
پرداخت‌های نقدی برای خرید دارایی‌های ثابت مشهود	(۲,۹۴۳,۲۱۹)
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش دارایی‌های نگهداری‌شده برای فروش	۰
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش دارایی‌های نامشهود	۴,۱۹۹
پرداخت‌های نقدی برای خرید دارایی‌های نامشهود	(۲۳۳,۸۰۹)
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۰
پرداخت‌های نقدی برای تحصیل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	(۳,۱۱۶,۹۰۴)
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش سرمایه‌گذاری در املاک	۰
پرداخت‌های نقدی برای تحصیل سرمایه‌گذاری در املاک	۰
دریافت‌های نقدی حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت	۰

تحلیل بنیادی (فاندامنتال) – تصویر صورت جریان وجوه نقد

نسبت های مالی در تحلیل بنیادی چیست؟

نسبت های مالی اعدادی هستند که با استفاده از مقادیر استخراج شده از صورت های مالی به دست می آیند. این نسبت ها اطلاعات مفیدی درباره وضعیت شرکت ارائه می کنند و از این رو کاربرد زیادی در تحلیل بنیادی دارند. به عنوان نمونه از نسبت های مالی می توان برای ارزیابی نقدینگی، میزان سودآوری و نرخ بازده شرکت استفاده کرد. مهم ترین نسبت های مالی عبارتند از:

نسبت سرمایه در گردش

نسبت سرمایه در گردش که به آن «نسبت جاری» نیز گفته می شود، از تقسیم دارایی های جاری به بدهی های جاری به دست می آید. به بیان دیگر این نسبت مالی نشان دهنده توانایی شرکت در پرداخت بدهی های جاری خود با استفاده از دارایی های جاری آن است. به همین دلیل نسبت سرمایه در گردش، یک معیار مهم برای بررسی و اندازه گیری سلامت مالی واحد تجاری است. طلبکاران و سایر ذینفعان می توانند با بررسی این نسبت، توانایی شرکت را در پرداخت بدهی های خود در طی یک سال اندازه گیری کنند.

نسبت سود هر سهم (EPS)

هنگامی که سهام یک شرکت را خریداری می کنید، در واقع شما مالک بخشی از آن واحد تجاری می شوید. لذا در صورتی که آن شرکت در آینده سود ایجاد کند، شما نیز متناسب با تعداد سهام خود از سود ایجاد شده بهره مند خواهید شد. نسبت سود هر سهم (EPS)، همانطور که از نامش پیداست نشان دهنده سودی است که شرکت به ازای هر سهم خود ایجاد کرده و یا انتظار دارد که در آینده ایجاد نماید. برای محاسبه این نسبت، درآمد خالص شرکت بر تعداد سهام عادی موجود آن در طول سال تقسیم می شود.

نسبت درآمد بر قیمت (P/E)

این نسبت به طور خلاصه P/E بخوانید P به E نامیده می‌شود. نسبت P/E بیان کننده مبلغی است که سرمایه‌گذاران حاضرند به ازای هر ریال از «سود هر سهم» شرکت پرداخت کنند. مقدار نسبت P/E از تقسیم قیمت سهام شرکت بر سود هر سهم (EPS) آن به دست می‌آید و یکی از متداول‌ترین معیارهای ارزش گذاری سهام شرکت‌ها در روش تحلیل بنیادی است.

نسبت حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها

اگر بدانید شرکتی که هدف سرمایه گذاری شما است بیش از حد وام گرفته است، چه می‌کنید؟ مطمئناً این موضوع می‌تواند حاشیه ایمن برای پرداخت بدهی‌ها را کاهش دهد. هزینه‌های ثابت را افزایش داده و درآمد موجود برای سود سهام افرادی مانند شما را کاهش دهد و حتی باعث یک بحران مالی در شرکت شود.

اشراف اطلاعاتی

اولین گام در تحلیل بنیادی یا همان فاندمنتال یک شرکت، آشنایی کامل با کلیه فرآیندهایی است که شرکت برای تولید محصولات یا ارائه خدمات خود طی می‌کند و شناسایی پارامترهای تاثیرگذار بر آن‌ها است. به عنوان مثال، در خصوص یک شرکت تولیدی، باید چگونگی تامین مواد اولیه، فرآیندهای تولید، توزیع و فروش محصول و کلیه ریسک‌های تاثیرگذار بر فعالیت‌های آن و سودآوری آن مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، ساختار رقابتی صنعت مربوط به حوزه فعالیت شرکت و مواردی مانند رقبا، محصولات جایگزین و سایر موارد این چنینی نیز باید مورد بررسی قرار گیرند.

مدل های ارزش گذاری

برای تخمین ارزش ذاتی یک شرکت، می‌توان از مدل های ارزش گذاری مختلفی استفاده کرد. ارزش گذاری معمولاً بر اساس مقایسه یک دارایی با دارایی‌های مشابه یا بر اساس ارزش فعلی متغیرهایی که بازده دارایی به آن‌ها وابسته است، انجام می‌شود.

در حالت کلی رویکردهای ارزش گذاری سهام به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

ارزش گذاری بر اساس ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی یا روش ارزش فعلی

ارزش گذاری بر پایه ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی، بر این مبنا تعریف می‌شود که مالک هر سهم، در حقیقت مالک بخشی از جریان‌های نقدی است که قرار است در آینده توسط شرکت کسب شود. از جمله مدل‌های رایج این نوع ارزش گذاری می‌توان به مدل‌های زیر اشاره کرد.

–تنزیل سود نقدی (DDM)

–جریان نقدی آزاد شرکت (FCFF)

– جریان نقدی آزاد صاحبان سهام (FCFE)

– درآمد باقی مانده (RI)

ارزش گذاری نسبی یا روش ضرایب قیمت

در ارزش گذاری نسبی نیز ارزش یک دارایی با توجه به قیمت گذاری دارایی های مشابه و با استفاده از ضرایب قیمت انجام می شود. از جمله متداول ترین ضرایب قیمت که برای این کار مورد استفاده قرار می گیرند می توان به موارد زیر اشاره کرد.

– ضریب قیمت به سود هر سهم (P/E)

– ضریب قیمت به ارزش دفتری (P/BV)

– ضریب قیمت به فروش (P/S)

چگونه اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل بنیادی را به دست بیاورم؟

کدال

داده های مورد نیاز برای ارزش گذاری یک شرکت و همچنین داده های مورد نیاز برای محاسبه نسبت های مالی آن، عمدتاً از صورت های مالی آن استخراج می شود. کلیه صورت های مالی شرکت ها نیز از طریق سامانه کدال به نشانی codal.ir منتشر و در اختیار همگان قرار می گیرد. بنابراین، سامانه کدال به عنوان مرجع اصلی استخراج داده های مورد نیاز برای تحلیل بنیادی شناخته می شود. کدال، سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران است. همه شرکت هایی که نماد آن ها در بورس یا فرابورس درج شده است، می بایست گزارش های مصوب خود را در این سامانه که متعلق به سازمان است منتشر کنند. صورت های مالی شرکت ها، آگهی های افزایش سرمایه و اطلاعیه های تقسیم سود شرکت ها از جمله مهمترین اطلاعات موجود در کدال هستند.

تحلیل بنیادی مناسب چه اشخاصی است؟

تحلیل بنیادی یا فاندamental یک شرکت نیاز به صرف زمان و انرژی نسبتاً زیادی دارد. چرا که در این روش تمامی گزارش ها و اطلاعات آن شرکت بررسی می شوند. از این رو معمولاً اشخاصی از روش تحلیل بنیادی استفاده می کنند که افق سرمایه گذاری بلند مدت دارند. یعنی اشخاصی که تمایل دارند یک سهم را خریداری کرده و به مدت طولانی مثلاً بیش از یک سال نگهداری کنند.

مزایا و معایب تحلیل بنیادی

مزایا تحلیل بنیادی چیست؟

-می توان گفت تحلیل بنیادی برای سرمایه گذاری های بلندمدت مناسب است. توانایی شناسایی و پیش بینی روند طولانی مدت اقتصادی یک شرکت در سرمایه گذاری هایی که با دید کوتاه مدت انجام می شود، معنا پیدا نمی کند.

-سرمایه گذاری بر اساس تحلیل بنیادی می تواند به شرکت هایی با دارایی های ارزشمند، ترازنامه قوی، درآمد پایدار و... کمک کند.

-یکی دیگر از مزایای تحلیل بنیادی، ارتقا درک کامل سرمایه گذاران از فرآیند تجارت است. پس از تجزیه و تحلیل دقیق بنیادی، یک سرمایه گذار با عوامل اصلی درآمد و سود یک شرکت آشنا خواهد شد. این درک خوب می تواند به سرمایه گذاران کمک کند تا از سرمایه گذاری در شرکت هایی که مستعد زیان هستند جلوگیری کنند. همچنین با درک بهتر از تجارت یک شرکت، سرمایه گذاران بهتر می توانند آگاهی خود را برای دسته بندی سهام در گروه صنعت مربوطه خود افزایش دهند.

معایب تحلیل بنیادی چیست؟

-عیب اصلی تحلیل بنیادی را می توان زمان گیر بودن و تخصصی تر بودن آن دانست.
-تحلیل بنیادی می تواند موجب غفلت از شرکت های کوچک تر شود و توجه تحلیل گران را تنها معطوف به شرکت های بزرگ تر کند.

-نکته ی دیگری که تحلیل بنیادی دارد در واقع هیچ اطلاعات خاصی از زمان مناسب ورود به سهام نمی دهد. بر همین اساس باید از روش های دیگر تحلیل نظیر تحلیل تکنیکال و تابلوخوانی نیز در کنار آن کمک گرفت.